



تلاوت قرآن را به قصد تاثیرگذاری در طرف مقابل انجام دهید

رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در اولین روز ماه مبارک رمضان و در محفل نورانی انس با قرآن که با حضور شماری از قاریان و اساتید ممتاز و فعالان قرآنی برگزار شد...

رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر امروز در اولین روز ماه مبارک رمضان و در محفل نورانی انس با قرآن که با حضور شماری از قاریان و اساتید ممتاز و فعالان قرآنی برگزار شد، آمیخته شدن مجالس تلاوت قرآن با ترجمه و تفسیر آیات را برای انتقال مفاهیم و مضامین قرآنی به مستمعین و اثرگذاری بر آنها، ضروری خواندند و متخصصان و فعالان قرآنی را به تلاش برای یافتن شیوه های این مسئله مهم فراخواندند.

به گزارش ایسنا، متن کامل بیانات رهبر معظم انقلاب در محفل انس با قرآن کریم به این شرح است:
بسم الله الرحمن الرحيم

والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين سيما بقیة الله فی الارضين.

امروز بسیار جلسه ی شیرین و مطلوبی بود برای ما. حقیقتاً حالا امروز شما با حضور خودتان، با برنامه های جذاب و زیبای خودتان ماه رمضان را که طلوعه بخشیدید، سال را هم برای ما با این آغاز زیبا و شیرین، شیرین کردید؛ خیلی ممنون. برنامه هایی که اجرا شد بسیار خوب بود؛ آقای پراقبافان (۲) هم که مثل همیشه مشغول پراقبافی زرین [بودند]؛ خدا ان شاء الله ایشان را حفظ کند.

بنده رادیو تلاوت را و برنامه های قرآنی تلویزیون را تا حدودی گوش میکنم. هر وقت یک تلاوتی را می شنوم که به نظرم جذاب و پخته و برجسته می آید، از ته دل خدا را شکر میکنم؛ و بحمدالله این زیاد اتفاق می افتد؛ یعنی ما امروز قاریان برجسته و خوش خوان و صحیح خوان و آشنا با شیوه های خوب تلاوت در کشور زیاد داریم. واقعاً انسان همین طور یکی پس از دیگری مشاهده میکند. باید خدا را شکر کنیم. اگر بخواهیم با قبل از انقلاب مقایسه کنیم که اصلاً قابل مقایسه نیست. قبل از انقلاب در همه ی مشهد که همان روز هم یکی از مراکز مهم مثلاً تلاوت و قرائت و مانند اینها محسوب میشد، شاید آن تلاوتگری که میتوانست قرآن را صحیح و خوب بخواند، دو نفر یا حداکثر سه نفر بیشتر نبودند. حالا آن استادها پیرمرد را کاری ندارم. آنهايي که در جلسات ماها شرکت میکردند و میدیدیم آنها را، مثلاً فرض کنید آقای فاطمی، آقای مختاری، همین دو سه نفر بیشتر نبودند؛ [اما] امروز قابل شمارش نیست. از بس بحمدالله تلاوتگران قرآن در همه جای کشور در سراسر کشور [زیادند].

خب دیدید این جوان بوشهری (۳) را که من یادم آمد، آن سال هم که اینجا خواندند، شرح دادند که [از] روستایی هستند که همه ی آنها مشغول کار قرآنی هستند. یک روستایی است که مرکز قرآن است. اینها را خوب مشاهده [میکنید] و از این قبیل در سرتاسر کشور بحمدالله زیاد است، و جای شکرگزاری است. دوستان به من گزارش دادند که رشد قرآن در جامعه از همه ی شاخصهای رشد در کشور بالاتر است؛ این خیلی مایه ی خرسندی و خوشحالی است.

یک جمله عرض بکنم برای اینکه قدر قاری و تلاوتگر برای همه ی ماها و برای خودشان هم روشن بشود، قاری و تلاوت کننده ی قرآن، رساننده ی پیام خدای متعال به مستمعین است. یعنی شما که اینجا می نشینید تلاوت میکنید، دارید رسالتی انجام میدهید، دارید پیام آوری ای انجام میدهید، و پیام خدا را به دلها می میرسانید؛ این خیلی مقام والا و برجسته ای است، این افتخار بسیار بزرگی است. برای اینکه این پیام را خوب منتقل کنید، ابزارهایی لازم است که یکی اش صدای خوب است، یکی اش شگردهای اثرگذاری است، مثل لحن و بعضی از خصوصیات دیگری که حالا بعضی را بعداً یک اشاره ی مختصری میکنم. و من میبینم بعضی از قراء عزیز ما، که من از رادیوی تلاوت صدایشان را می شنوم، با این نکات کاملاً آشنا نیستند و آنها را به کار نمیبرند، از آنها استفاده میکنند و اثرگذاری تلاوتشان چند برابر میشود.

استماع قرآن یک کار واجب و لازمی است؛ حالا یا با تلاوت قرآن برای خود یا استماع قرآن از دیگری؛ [به هر حال] این یک کار لازمی است. اَوَّلًا لازمه ی ایمان به وحی است؛ اَلَّذِينَ آمَنُوا هُمُ الْكِتَابَ يَتْلُوهُ حَقًّا تِلَاوَةً اُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ به؛ (۴) اینهایی که قرآن را تلاوت میکنند [با رعایت] حَقًّا تلاوت، اینها ایمان دارند؛ پس تلاوت قرآن لازمه ی ایمان است. یا [میفرماید]: «اَقْلًا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ»؛ (۵) خب تدبّر کی حاصل میشود؟ آن وقتی که شما تلاوت کنید یا استماع کنید؛ در این صورت. بنابراین استماع قرآن یک امر تفننی نیست. بنده همیشه به دوستان مختلف، از مسئولین و غیر مسئولین، جوانها، [در مواقعی] که پیش می آید و راجع به قرآن صحبت میکنیم، میگویم شما هر روز حتماً قرآن بخوانید. حالا نمیگویم روزی مثلاً فرض کنید نیم جزء یا یک حزب بخوانید؛ [حتی] روزی نیم صفحه، روزی یک صفحه بخوانید، اما ترک نشود. در طول سال روزی نباشد که شما قرآن را باز نکنید و قرآن را تلاوت نکنید. خب، این استماع قرآن اَوَّلًا وظیفه است به خاطر ایمان، ثانیاً زمینه ساز رحمت الهی است؛ که میفرماید: وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ انصتوا لعلکم تُرحَمون؛ (۶) یعنی شنیدن قرآن و استماع قرآن، زمینه ساز رحمت الهی است؛ دیگر چه بهتر از

این! این یکی از مهم ترین عواملی است که میتواند انسان را با رحمت الهی آشنا کند.

تلاوت را باید با تدبّر انجام داد. البته مشکل مردم عزیز ما این است که با زبان قرآن آشنایی درستی ندارند. در کشورهای عربی، که شما ملاحظه میکنید مردم معمولی که نشسته اند برای نماز، مثلاً در مسجد امام حسین (علیه السلام) (V) یا جاهای دیگر، که قرآن پیش از نماز قرآن میخوانند، مردم مستقیم میفهمند مراد را، یعنی همان ظاهر قرآن را؛ که البته «ظاهرهً اَنیقٌ و باطنهً عمیق» (۸) باطن عمیقی دارد که ممکن است بیشتر آن در اختیار آحاد مردم نباشد و بیشتر احتیاج به تفسیر و توضیح اهلش داشته باشد، لکن همین ظاهر قرآن برای همه استفاده دارد؛ از همین ظواهر هم همه میتوانند استفاده کنند؛ مشکل ما اینجا است؛ این را باید یک جوری حل کنیم.

حالا من اینجا یادداشت کرده ام که یکی از کارهای مهم این است که ما بتوانیم تلاوت قرآن را بیامیزیم به ترجمه ی تفسیری، نه ترجمه ی صرفی معنی کلمات؛ یک ترجمه ی تفسیری که بعضی از ترجمه هایی که امروز رائج است و در دست مردم است، همین خصوصیت را دارند که یک نکاتی را در آنجا توجه داده اند. تفسیرهای بسیار خوب و روانی هم امروز خوشبختانه وجود دارد؛ یعنی ما امروز از لحاظ کتاب، از لحاظ ترجمه ی قرآن، از لحاظ تفسیر مشکلی نداریم؛ بحمدالله زیاد در اختیار هست؛ همین تفسیر نمونه، تفسیرهای دیگری که وجود دارد، تفاسیر زیادی از این قبیل هست. یک شکلی و یک شیوه ای باید پیدا کنید؛ این را بایستی متخصصین کار قرآن و کسانی که سرگرم این مسائلمند، یک راهی پیدا کنند که ما بتوانیم در محافل قرآنی که تلاوت قرآن میشود، به نحوی ترجمه را هم وارد کنیم.

البته الان یک کار کوچکی در رادیو تلاوت دارد میشود که من خوشم می آید: قبل از آنکه تلاوت را پخش کنند، آن مجری از روی همین تفاسیر متداولی که وجود دارد، جملی از مضمون یک یا دو آیه از آیاتی را که بنا است این قاری بخواند بیان میکند؛ خیلی خوب است؛ این خیلی خوب است. حالا ولو مثلاً قاری ممکن است بیست آیه، سی آیه بخواند، این [مجری] یک آیه، دو آیه را بیان میکند اما همان اندازه هم مغتنم است. این کاری است که الان در رادیو تلاوت انجام میگیرد. شبیه این را قبل از انقلاب بنده در جلساتی که درباره ی مسائل قرآنی صحبت میکردم [انجام میدادم]. این جوری بود که من شرح مفصّلی را - مثلاً به قدر شاید یک ساعت - درباره ی یک موضوعی بحث میکردم؛ آیات آن موضوع را انتخاب کرده بودیم. بعد از صحبت من، یک نفر از قرآء، همین دوستانی که مشهد بودند - قاریانی که بعضی شان بحمدالله در قید حیاتند، بعضی هم به رحمت خدا رفته اند - اینها می آمدند می نشستند؛ من میگفتم [دیگران] قرآن را در مجالس مقدّمه ی سخنرانی قرار میدهند، من سخنرانی ام را مقدّمه ی قرآن قرار میدهم؛ سخنرانی میکردم - من ایستاده سخنرانی میکردم - بعد آنجا صندلی بود، منبر بود، قاری می آمد روی آن منبر می نشست و تلاوت قرآن میکرد؛ ما آن زمان این کار را میکردیم، حالا نمیدانم چقدر در این جلسات این جور کارها ممکن است. به هر حال شیوه ای باید انتخاب کرد. این کار شاید به عهده ی همین مجموعه های قرآنی باشد که ببینند چه کار میشود کرد که وقتی شما تلاوت میکنید، مردم بتوانند مضامین را، مفاهیم را همان جور به دست بیاورند و بفهمند.

یکی از کارهای خیلی خوب، رواج تلاوت و استماع قرآن در همه ی مساجد است. بعضی از مساجد این جور است که در آن تلاوت میشود. عرض من این است که اگر بتوانیم، هر مسجدی را یک پایگاه قرآن قرار بدهیم؛ یعنی از یک قاری، دو قاری دعوت کنند - الحمدلله قاری که خب زیاد است - قبل از نماز بیایند آنجا؛ حالا اگر میشود، هر روز این کار را بکنند، که خب یک قدری مشکل است، لااقل هفته ای یک بار یک قاری، یک تلاوتگر قرآن بیاید در مسجد و بنشیند و قرآن بخواند، مردم گوش کنند؛ حالا احیاناً یا خود او، یا یک نفر در کنار او تفسیر و ترجمه ی تفسیری کوتاه و مختصری را هم برای فهم مردم بیان کنند. به نظر من اینها خوب است.

یک مقداری بایستی به مسائل مربوط به قرآن اهتمام ورزید. قرآن کتاب زندگی است، کتاب حکمت است، کتاب درس است؛ دیگر در این زمینه ما زیاد صحبت کرده ایم، نمیخواهم آنچه را گفته ایم مجدداً تکرار کنم. قرآن برای همه ی بخشهای زندگی درس دارد. هر صفحه ای از قرآن را که شما نگاه کنید، وقتی دقت کنیم، تدبّر کنیم، در هر صفحه ی قرآن انسان میتواند ده ها نکته ی اساسی برای زندگی پیدا کند. اینها مسائل مهمی است. نه فقط مسائل مربوط به عالم آخرت - که آنها در قرآن خیلی سنگین و پُررنگ و قوی است - حتی مسائل مربوط به زندگی شخصی ما، زندگی خانوادگی ما، مسئله ی حکومت ما، مسئله ی ارتباطات بین المللی ما، نسبت به همه ی اینها و برای همه ی اینها در قرآن حکمت هست، تدبیر هست. خب بایستی ما از این استفاده کنیم، از قرآن استفاده کنیم.

بحمدالله جامعه ی قرآنی امروز وسیع است. یک روزی بود این حرفها را میزدیم، هیچ زیرساختی برایش وجود نداشت؛ آن روز یک تعداد کمی با قرآن مانوس بودند و کسانی هم که مثلاً برای مردم نصیحت و صحبت میکردند، در خیلی از بیانات و مانند اینها از قرآن خیلی استفاده نمیشد. امروز بحمدالله زیرساخت خیلی فراوان است؛ قاری قرآن زیاد داریم، حافظ قرآن زیاد داریم، تلاوتگر قرآن زیاد داریم، مستمعین و علاقه مندان به قرآن زیاد داریم؛ در مجالس قرآنی شرکت میکنند، انسان میبیند. بنابراین، بایستی روی مسئله ی تلاوت قرآن، روی مسئله ی آشنایی با قرآن و با مفاهیم قرآن، هر چه ممکن است کار کنیم، و بیشتر کار کنیم؛ این

چند نکته برای تلاوتگران عرض میکنم؛ به شما که حالا تلاوت میکنید و مردم استفاده میکنند و این شأن بزرگ را خدای متعال به شما داده، این توفیق بزرگ را پیدا کرده اید که میتوانید آورنده‌ی رسالت الهی به مردم باشید و دل‌های ما را مخاطب خودتان قرار بدهید، چند نکته را من عرض بکنم. تلاوت باید برای اثرگذاری بر مخاطب باشد که البته این شگردهایی دارد که من بعضی از آنها را بعداً عرض میکنم؛ البته اغلب شماها هم آشنا هستید؛ «اثرگذاری بر مخاطب»؛ یعنی شما تلاوت را که شروع میکنید، تبتان باید این باشد که این تلاوت شما در مخاطب شما اثر بگذارد. ما دو جور تلاوت داریم: یک جور آن تلاوتی که هدفش اثرگذاری است، یک جور آن تلاوتی که هدفش آوازخوانی است. تعجب میکنید؟ تعجب نکنید. حالا شماها الحمدلله چون خودتان همه خوب و پاک و دارای نیت صادق هستید، ممکن است برایتان تعجب آور باشد؛ اما نه، کسی که با این قراء بیرونی - خارج از کشور ما؛ اسم کشور را نمی‌آورم - آشنا باشد، میبیند؛ بعضی‌ها ایشان هستند که وقتی تلاوت میکنند، گویی اصلاً غرضشان این است که لحنها و شیوه‌ها را مدام به رخ مستمع بکشند! مستمع هم حرفه‌ای است، یک عده مستمع حرفه‌ای دارند؛ این هیاهوها که می‌شنوید - های وهوی، فریاد میزنند، آدم هم نمیفهمد چه میگویند! - اینها همان حرفه‌ای‌ها هستند؛ غالباً اینها دنبال این [هستند]. در اجتماعات عمومی که می‌بینید مردم فریاد میکشند، «الله» میگویند، گاهی گریه میکنند، آن تأثیرگذاری است؛ اما در این مجالس خاصی که پیدا است مثلاً بیست نفر، پنجاه نفر یا صد نفر هستند که دُوروبر قاری را گرفته‌اند، سر و صدا میکنند، هیاهو میکنند، اینها از آن موسیقی زیبا و فعالی که او به کار برده لذت میبرند؛ شاید اصلاً توجه به معانی هم نداشته باشند. خود آن قاری هم همین جور است.

من یک مثال بزنم. البته دلم نمیخواهد اسم بیاورم؛ یک قاری خیلی خوش‌خوان و خوش‌صدایی، مثلاً فرض کنید محمد عمران - حالا اسم آوردم - خیلی خوش صدا است، در موسیقی هم مسلط است؛ شنیدم که میگفتند مسلط‌ترین آدم در موسیقی‌های عربی است. او قرآن میخواند؛ سوره‌ی یوسف [را چنین خوانده]: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الر» بعد «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ». چند آیه که میخواند، برمیگردد [دوباره میخواند]: «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الر»؛ دنباله‌اش را نمیخواند. بعد دوباره «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الر». من شمردم در این چند دقیقه‌ی اول شاید حدود هشت‌هفت مرتبه گفت: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الر؛ خب چرا؟ تکرار آیات خیلی خوب است. وَ مَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ؛ (۹) این را مثلاً فرض کنید قاری میخواند، [تکرارش هم] خیلی خوب [است]؛ همین آیات اولی که آقای فردی خواند. من منتظر بودم ایشان آن دو سه آیه‌ی اول را تکرار کند. اینها تکرارکردنی است؛ تکرار اینها یک جاهایی خیلی خوب است و واجب و لازم است، یعنی تکرارش همین طور تأثیرگذار است؛ اما [تکرار] «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * الر» چه فایده‌ای دارد؟ چه تأثیری در مخاطب دارد؟ جز اینکه [نشان بدهد] شیوه‌های مختلف خواندن را - شیوه‌های موسیقایی را - او دارد عمل میکند؛ آنها هم گوش میکنند. این خواندن، این تلاوت، تلاوت مطلوب نیست؛ تلاوت باید برای اثرگذاری باشد. البته اثرگذاری در درجه‌ی اول به خود آن خواننده مربوط میشود. آن خواننده اگر چنانچه خودش از تلاوتش متأثر باشد - که انسان میبیند بعضی از خواننده‌های مصری حقیقتاً خودشان از آن تلاوتشان متأثرند - اثرش طبعاً زیادتر است؛ شگردهایی هم دارد که من حالا بعضی را عرض میکنم. [البته] غرضی دارم؛ نه اینکه بخواهم آن شگرد را به شما یاد بدهم؛ شما خودتان بهتر از من بلدید؛ مقصودی دارم از این کار.

یکی از شگردها استفاده‌ی از اختلاف قرائت است. اختلاف قرائت را بعضی‌ها [فقط] برای خودنمایی میخوانند، یعنی واقعاً هیچ فایده‌ای ندارد؛ قرائتهای شاذ و ضعیف، قرائتهای مهجور. گاهی اوقات یک آیه را مثلاً فرض کنید که در پنج شش قرائت به شکل مختلف تکرار میکنند، هیچ فایده‌ای هم ندارد. این جور اختلاف قرائت خواندن خیلی مطلوب نیست، بنده هیچ توصیه نمیکنم؛ با اینکه بعضی از اختلاف قرائتها خیلی خوب است، که حالا من نمونه‌هایی‌اش را عرض میکنم. بعضی از اختلاف قرائتها خیلی خوب است، اما یک جاهایی هست که اختلاف قرائت - که موجب تکرار میشود - هیچ فایده‌ای برای اثرگذاری ندارد؛ هیچ؛ گاهی اوقات حتی یک مقداری ذهن را دور هم میکند، متوجه یک چیزهای دیگر میکند؛ اما یک جاهایی خیلی خوب است. من دو سه نمونه را ذکر بکنم؛ یکی این تلاوت عبدالباسط است در سوره‌ی یوسف، هَيْتَ لَكَ، هَيْتَ لَكَ، هَيْتَ لَكَ، هَيْتَ لَكَ، هَيْتَ لَكَ؛ (۱۰) همین طور مدام تکرار میکند. او میخواهد اهمّیت موقعیت را نشان بدهد؛ اهمّیت را میخواهد نشان بدهد. اگر همین طوری بخواند و عبور کند، یک چنین موقعیت مهمی مورد توجه مستمع قرار نمیگیرد. یک جوانی در یک اتاق خلوتی و یک زن آن چنانی‌ای با این اصرار متوجه او است و او امتناع میکند. این اهمّیت این مسئله است؛ یعنی میخواهد موقعیت را آن چنان مشخص کند در ذهن مخاطب که کاتبه دارد در مقابل چشم او اتفاق می‌افتد، لذاست که تکرار میکند. این جور تکرار هم در تلاوتهای قراء خوب برجسته‌ی عرب کم است که همین طور بلافاصله پشت سر هم تکرار کند. این یک نمونه است. اینها خوب است؛ اینها را اگر چنانچه دوستان تمرین کنند و این جور عمل کنند و اگر چنانچه مثلاً یک جایی اختلاف قرائتی وجود دارد، این را بیان کنند، به نظر میرسد خیلی خوب است. حالا مثلاً در آن «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنِ»، (۱۱) قرائت وَرَش «آل یاسین» است. «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنِ»، «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنِ»؛ تنها وَرَش اینجا «آل یاسین» خوانده؛ بقیه همه «آل یاسین» خوانده‌اند. مثلاً تکرارش بد نیست؛ «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنِ»، «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰی یَاسِیْنِ».

یک نمونه ی جالب دیگری که خیلی برای من شیرین و جذاب بود، تلاوت شیخ مصطفیٰ اسماعیل است در سوره ی نمل که وقتی حضرت میفرماید که «اَیُّکُمْ بِأَتَنِیْ یَعْرِشِهَا»، (۱۲) اینجا «قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنَّ»؛ این [اختلاف قرائت] خودش را نشان میدهد. ضمناً جن تحت فرمان حضرت سلیمان بودند، اما دلشان با حضرت سلیمان نبوده که «تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ» (۱۳) - که در سوره ی [سبأ است] - این نشان دهنده ی این است که اینجا تحت فرمان بودند، اینجا مجبور بودند، حضرت تسخیر کرده بود اینها را، اما دلشان با حضرت نبوده. حالا اینجا [که میفرماید] «قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا أَتَيْكَ يَه قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ»، (۱۴) شیخ مصطفیٰ اسماعیل چه کار میکند؟ اول همین را میخواند: قَالَ عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنَّ أَنَا أَتَيْكَ يَه قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ؛ [بعد] «أَنَا أَتَيْكَ يَه» را با قرائت وَرَش [میخواند]؛ یعنی تکرار مطلب به صورت قرائت وَرَش؛ چرا؟ برای خاطر اینکه قرائت وَرَش در اینجا آن غرور این عفریت را بیشتر نشان میدهد. ببینید، این [نحوه ی خواندن] خودش را دارد نشان میدهد؛ به همین جهت تکرار میکند. به نظر من مصطفیٰ اسماعیل - با آن شناختی که آدم از این قاری بزرگ و برجسته دارد - تعمداً این قرائت را اینجا بلافاصله تکرار میکند؛ یعنی نمیگذارد آیه تمام بشود، بعد شروع کند؛ همان جا بعد از «أَنَا أَتَيْكَ» که قرائت معروف حفص از عاصم است، قرائت وَرَش را تکرار میکند برای اینکه نشان بدهد دارد از خودش تعریف میکند.

بعد، آن «الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» میزند توی دهن این؛ آن هم میگوید «أَنَا أَتَيْكَ يَه قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ». (۱۵) اینجا هم [شیخ مصطفیٰ اسماعیل] همین کار را میکند، اینجا هم همین جور [میخواند]؛ یعنی در واقع یک حرکت غرورآمیز غلط «عَفْرِیْتُ مِنَ الْجِنَّ» را یک بنده ی خالص مؤمن از اصحاب حضرت سلیمان، به او جواب میدهد و در واقع توی دهن او میزند. ببینید، این استفاده ی از اختلاف قرائت به این شکل، کاملاً چیز خوبی است؛ اما اگر چنانچه بدون این جهات، بدون این دقتها و توجهات، اختلاف قرائت انجام بگیرد، حالا در یک حد رقیقی، به نظر بنده اشکال ندارد. میدانید چون وَرَش ساکن مصر بوده و در واقع میراث مصری ها همین قرائت وَرَش است از نافع، لذاست که اهمّیت میدهند. حتماً شنیده اید که آنجا حتّی ترتیلهایی دارند صرفاً با قرائت وَرَش؛ از اوّل تا آخر، فقط قرائت وَرَش است. در مصر و بعضی از کشورهای شمال آفریقا که غرب دنیای اسلام میشود، قرائت وَرَش از نافع [رایج] است. قرائت حمزه هم به خاطر همزه ی بعد از حرف ساکن که یک سکتی در آن ایجاد میکند، یک زیبایی ای دارد که آن هم در مواردی اشکال ندارد؛ اما افراط کردن در بیان این قرائتهای مختلف و توسّل به انواع و اقسام حرفهای آنها و بخصوص بعضی از این اِماله های عجیب و غریبی که انجام میدهند که واقعاً آدم نمیتواند درست هضم کند که این چرا این جور است، [درست نیست]. گمان هم نمیکنم امروز در دنیای عرب هیچ عربی این جور اِماله ی در بیان داشته باشد؛ حالا شاید آن روزی که مثلاً جناب حمزه - یکی از قرّاء سبعة - این جور چیزی را بیان کرده، آن روز [رایج] بوده، اما گمان نمیکنم امروز در دنیای عرب - یعنی من تا حالا نشنیده ام و ندیده ام - این جور حرف بزنند یا کسره ها را این جور اِماله کنند. علی ایّ حال، این در مورد این معنا.

یک نکته ی دیگر هم در واقع یک شگرد است دیگر، در واقع در مورد قطع و وصل ها است. یکی از قرّاء محترمی که امروز اینجا تلاوت کردند، خیلی خوب بود از این جهت؛ یعنی تقریباً اغلب آقایانی که امروز تلاوت کردند، بخصوص یکی شان، خیلی خوب مواردی را قطع میکردند که مستمع دلش متوجّه آنجا بشود. گاهی اوقات هست که قطع مطلب در آیه ی قرآن موجب این میشود که مطلب در ذهن جا بگیرد، گاهی اوقات موجب این میشود که اهمّیت مطلب و خصوصیت و نکته ای که در مطلب هست نشان داده بشود؛ گاهی هم این جوری است که البته اینها را باید مثال زد تا درست روشن بشود که مقصود چیست که حالا مجال نیست، خیلی هایش را هم من یادم نیست. حالا آنچه مثلاً در ذهنم هست، باز تلاوت مصطفیٰ اسماعیل است در سوره ی قصص: فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيْ عُلَى اسْتِحْيَاءٍ. (۱۶) خب این را ما اگر بخوایم بخوانیم چه جوری میخوانیم؟ ما همین جوری میخوانیم: فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيْ عُلَى اسْتِحْيَاءٍ؛ یکی از آن دو دختر آمد، با حیا حرکت میکرد؛ خیلی خب، این خواندن عاڈی است. مصطفیٰ اسماعیل این جوری نمیخواند؛ او میگوید «فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْسِيْ»، «عُلَى اسْتِحْيَاءٍ» را نمیگوید؛ یک فاصله ای میکند، بعد میگوید «عُلَى اسْتِحْيَاءٍ»؛ چرا؟ برای اینکه این حیا کردن دختر معنا دارد. خب این همان دختری است که نیم ساعت قبل از این یا یک ساعت قبل از این، پهلوی همین جوان بوده و گوسفندانش را آب داده و رفته؛ حالا چرا خجالت میکشد، [ولی] آن وقت خجالت نمیکشید؟ [چون] اینجا رفته اند پیش پدر صحبت کرده اند و از این جوان تعریف کرده اند، یک گفتگوی داخل خانه شده راجع به این جوان، لذاست که این دختر حالت حیا دارد وقتی که می آید؛ «عُلَى اسْتِحْيَاءٍ». این را میخواهد مشخص کند، میخواهد این را برجسته کند؛ لذاست «تَمْسِيْ» را میگوید، «عُلَى اسْتِحْيَاءٍ» را جدا میکند، جدا میگوید. از این قبیل هست؛ اگر چنانچه توجّه به اینها باشد، به نظر بنده خیلی خوب است. یا تکرار بعضی از آیات یا تکرار بعضی از جملات یا ارتفاع و انقباض صوت - بالا رفتن و پایین آمدن صوت - در بعضی از جاها، اینها همه شگردهای مهمّی است که کمک میکند به تأثیرگذاری قرآن در دلها.

به هر حال، کار شما کار مهمّی است، کار بزرگی است، کار برجسته ای است، کار فتنی ای است، هنر مرکبی است. این کاری که شماها میکنید یک هنر است؛ تلاوت قرآن یک هنر بزرگ و مرگب است؛ یعنی ترکیب است از آهنگ و خصوصیات گوناگونی که در تلاوت مورد توجّه است برای اینکه انسان بتواند اثر بگذارد. فقط توجّه داشته باشید که تلاوت را برای نوع لحن انجام ندهید؛ تلاوت را با هر لحنی که میخواهید، به قصد تأثیرگذاری در طرف مقابل انجام بدهید؛ یعنی نیت و هدف این باشد، نه مثل بعضی از همین خواننده های معروف عرب؛ حالا من از مصطفیٰ اسماعیل تعریف کردم، اما ایشان هم گاهی اوقات همین جور است؛ یک وقتیهایی جوری میخواند که آدم احساس میکند گویا میخواهد لحن را و کیفیت خواندن را به رخ مخاطب بکشد و تحت تأثیر قرار بدهد، لکن در موارد زیادی هم تلاوت او تلاوت تأثیرگذار معنوی است.

امیدواریم ان شاءالله خدای متعال به همه ی شما توفیق بدهد، به همه ی ما توفیق بدهد با قرآن بیشتر مأنوس بشویم، با قرآن بیشتر آشنا بشویم، بتوانیم ان شاءالله وظیفه ی خودمان را در این بخش از مسائل قرآنی عمل کنیم. بخش مهم، عمل به قرآن است که آن یک باب دیگری است و مقوله ی بسیار وسیعی است؛ در بخش مربوط به تلاوت و احترام به قرآن، این خصوصیات را عرض کردیم. امیدواریم ان شاءالله خداوند شماها را مَوْقق بدارد.

پروردگارا! به حقّ محمّد و آل محمّد ما را با قرآن محشور کن؛ ما را با قرآن زنده بدار؛ با قرآن در قبر و قیامت محشور بفرما؛ بیشترین بهره ی قرآنی را برای ما مقدّر بفرما؛ جامعه ی ما را جامعه ی قرآنی قرار بده؛ کسانی که به ما قرآن تعلیم کردند، کسانی که تجوید یادمان دادند، کسانی که رموز قرآنی را به ما تعلیم کردند، پروردگارا! آنها را مشمول لطف و رحمت و مغفرت خودت قرار بده؛ اساتید قرآنی ما را خداوند ان شاءالله با اولیائش محشور کند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته